

بررسی تطبیقی سرپوش زنان کُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان در سده اخیر

چکیده

یکی از نمادهای فرهنگی هر قومی، تن‌پوش آنان است که از این میان سرپوش، مشخص‌ترین آنهاست. منطقه شمال خراسان به‌علت سکونت اقوام گوناگون کُرد، ترک و ترکمن از تنوع فرهنگی خاصی برخوردار است. این تنوع در پوشش مردان و زنان منطقه اثر گذاشته و نمود یافته است. مقاله حاضر با توجه به گوناگونی اقوام منطقه و اهمیت آن، درصدد مطالعه، مقایسه و بررسی وجوه اشتراک و افتراق سرپوش زنان کُرد، ترک و ترکمن است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی با استفاده از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای است که هنگام لزوم به مشاهده پرداخته و با افراد آگاه در زمینه پوشاک، مصاحبه انجام شده است. نتیجه بررسی کتابها، پژوهشها و مصاحبه‌های شفاهی، نشانگر تنوع سرپوش زنان اقوام گوناگون در شمال خراسان با نام‌های خاص محلی است. هر سه قوم معمولاً از شال و عرقچین با طرح‌های منقش و رنگ‌های شاد، به‌ویژه رنگ قرمز استفاده می‌کنند. برخی از سرپوش‌ها همچون دیکلیجک (تبرلیک) بیشتر توسط ترکمن‌ها به‌کار می‌رود و یا لیچک را یک طایفه از کُردها می‌پوشند. پژوهش همچنین مشخص کرد در سالهای اخیر با توجه به ارتباط بیشتر میان اقوام و تبادل فرهنگ‌ها شباهت بیشتری در سرپوش اقوام دیده می‌شود و تفاوت بین سرپوشها بیشتر از نظر نوع تزیین و نام آنها است.

کلیدواژه‌ها: سرپوش زنان، شمال خراسان، کُردها، ترک‌ها، ترکمن‌ها.

مقدمه

جمعیت شمال خراسان از نظر شکل و سبک زندگی، به دو گروه یکجانشین و کوچ‌نشین تقسیم می‌شوند که طی دوره‌های متفاوت و با توجه به اعمال سیاست‌های حکومتی، از جمعیت کوچ‌نشین آن کاسته شد و اقوام ساکن در این محدوده، به یکجانشینی روی آوردند. در این منطقه با وجود قومیت‌های گوناگون همچون گُرد، ترک، ترکمن، تات و بلوچ، تنوع فرهنگی خاصی وجود دارد. یکی از نمودها و جلوه‌های شاخص این فرهنگ، پوشش‌های خاص گروه‌های قومی است که تحت تأثیر عوامل مختلف اقلیمی و جغرافیایی، زیستی، اقتصادی، اعتقادی و دینی به تدریج شکل گرفته است و امروزه به‌عنوان یک نماد، گنجینه‌ای ارزشمند از شناخت عناصر فرهنگی و نشانه‌ای از ماندگاری و دیرینگی آن اقوام، به‌عنوان ارزش‌های میراث ناملموس، توسط افراد قوم به نسل‌های حاضر و آینده منتقل می‌شود. به علت عدم اطلاعات از پوشش زنان در آثار مکتوب قرون گذشته تأکید این پژوهش از نظر زمانی بر روی سده اخیر است و چون پرداختن به تمام بخش‌های پوشاک در یک مقاله مقدور نبود، در این مطالعه تنها به بررسی سرپوش زنان گُرد (گُرمانج)، ترک و ترکمن شمال خراسان پرداخته شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از مستندات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. همچنین با مراجعه به افراد آگاه در زمینه پوشاک همچون خانم گلی شادکام، که پُر و هشگر در زمینه لباس گُرمانج می‌باشند و خانم طاهره رحیمیان که در زمینه لباس گُرمانج پژوهشگرند، همچنین مصاحبه با آقای عبدالناصر روحانی و خانم فریبا حریری که پژوهشگر و مدرس که در زمینه پوشاک مردم ترک شمال خراسان فعال هستند، اطلاعات ارزشمندی به دست آمد. برای کامل شدن این پژوهش، در زمینه پوشاک، با کهن سالان محلی مصاحبه صورت گرفت. برای مصاحبه، مشاهده و بررسی نمونه لباس‌های طوایف گُرد، ترک و ترکمن به مشهد، روستاهای جرگلان، علی‌آباد، گیفان و جاجرم سفرهایی انجام شد. این سفرها در دستیابی به فرم، طرح و رنگ سرپوش اقوام کمک بسیار کردند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در چند دهه اخیر با موضوع پوشش اقوام شمال خراسان انجام گرفته که شماری از آنها در قالب کتاب و مقاله، تدوین و منتشر شده است؛ اما فقط شمار اندکی از این پژوهش‌ها به معرفی سرپوش‌های زنان اقوام ایرانی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکردی متفاوت و با در نظر گرفتن دو مؤلفه زنان و سرپوش‌های سنتی زنان سه قوم گُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان با بهره‌گیری از مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط و نیز مشاهده و مصاحبه با کهن‌سالان محلی، سرپوش زنان را از نظر فرم، طرح و رنگ، مقایسه کرده است. در زمینه سرپوش زنان، سهیلا شهشهانی (۱۳۷۴) در کتاب «تاریخچه پوشش سر در ایران» به انواع سرپوش در تاریخ ایران پرداخته است و اشاره‌ای به چند استان کشور دارد؛ ولی سرپوش قومیت‌ها مورد توجه و پژوهش ایشان نبوده است. در زمینه پوشاک اقوام نیز کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است، همچون جلیل ضیاءپور در کتاب «پوشاک ایلها، چادرنشینان و روستائیان ایران» که اشاره‌های مفیدی در زمینه سرپوش زنان گُرد، ترک و ترکمن به طور کلی دارد؛ ولی توجه خاصی روی سرپوش اقوام شمال خراسان ندارد. همچنین سارا وطن‌دوست (۱۳۹۴) در کتاب «پوشاک و زیورآلات عشایر گُرمانج خراسان»، تنها به موضوع پوشاک مردان و زنان طوایف مختلف گُرد خراسان (با چاپ تصاویر در رابطه با هر طایفه) پرداخته است. مقاله «نقش و رنگ در پوشاک زنان ترکمن» پژوهش زهرا قوی‌پنجه (۱۳۹۴)، فقط به نقش و رنگ انواع پوشاک زنان در قوم ترکمن پرداخته است. همچنین کتاب «آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران» اثر حسین یآوری و شیدا سرخوش (۱۳۸۹) که تکیه بر هنر پوشاک در میان اقوام مختلف معاصر ایران دارد و به هنر پوشاک اقوام ایرانی همچون گُرد، بلوچ، بختیاری و ترکمن اشاره کرده است ولی تمرکز آن بر روی اقوام شمال خراسان نیست. «پوشاک ایرانیان» پژوهش پیمان متین (۱۳۸۳) بیشتر به توصیف پوشاک، از جمله سرپوش مردم مناطق مختلف ایران پرداخته است. «دیده و دل و دست»

اثر ناهید امیدی (۱۳۸۳)، پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان است و اطلاعات ارزشمندی در این باره ارائه داده و علاوه بر آن، به طرح‌ها و نقش‌مایه‌ها نیز توجه نشان داده است و به پوشش مردم خراسان به‌طور کلی پرداخته است. «پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن» اثر رامونا محمدی (۱۳۸۸) به بررسی پوشاک زنان، مردان و کودکان ترکمن با تمرکز بر ناحیه ترکمن صحرا پرداخته است و اشاره‌ای به پوشاک دیگر اقوام ندارد. فهیمه لامی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی پرداخته و مقایسه‌ای با اقوام دیگر نداشته است. همچنین در زمینه پوشش سر در دوره تیموری و صفویه مقاله‌هایی همچون «بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموریان» به قلم سوگل یوسف‌پور و ابوالحسن فیاض انوش (۱۳۹۵) و «بررسی انواع پوشش سر مردان و زنان در دوره صفوی» (۱۳۹۹) نوشته ملیحه تقوی باغان منتشر شده است؛ ولی در این نوشته‌ها و پژوهش‌ها به سرپوش زنان شمال خراسان توجه نشده است. خانم گلی شادکام از پژوهشگران محلی است و در زمینه پوشاک مردم کرمانج تحقیق می‌کند و در این باره کتابی نوشته، فقط به پوشاک قوم کرمانج پرداخته است. امتیاز پژوهش حاضر این است که سرپوش زنان سه قوم کرد، ترک و ترکمن را با مراجعه به نوشته‌ها و مصاحبه با کهن‌سالان محلی، مطرح و سرپوش آنها را از نظر فرم، طرح و رنگ مقایسه کرده است.

۱. معرفی جامعه مورد مطالعه

گروه‌های قومی متعددی در منطقه شمال خراسان واقع در شمال شرق ایران ساکن هستند. این محدوده جغرافیایی شامل دو استان خراسان شمالی و بخش‌های شمالی استان خراسان رضوی است که از شمال، شمال شرق و شرق به کشور ترکمنستان، از شمال غرب به استان گلستان، از غرب به استان سمنان و از جنوب به استان خراسان رضوی محدود می‌شود. اقوام عمده ساکن در این منطقه شامل گُردهای کرمانج، تات‌ها، ترک‌ها و ترکمن‌ها هستند.

گُردهای کرمانج^۱، از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین قبایل بزرگ آریای که عمدتاً در دوران شاهان صفوی در قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی، برای مقابله با اقوام اُزبک و ترکمن، از غرب ایران به منطقه شمال شرق ایران کوچانده شده‌اند (توحی، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۵). گُردها در دوره قدرت‌یابی صفویان، از شاه اسماعیل صفوی حمایت کردند و به همین جهت همواره مورد توجه ویژه پادشاهان این سلسله بودند (روملو، ۱۳۵۷: ۱۳۸). گُردهای کرمانج، در منطقه شمال خراسان شامل دو استان خراسان شمالی و خراسان رضوی ساکن هستند. آنها عمدتاً در شهرستان‌های چناران، قوچان، کلات، درگز، فاروج، شیروان، بجنورد، مانه و سملقان، اسفراین، نیشابور و سبزوار زندگی می‌کنند. البته کرزن معتقد است از پنج مرکز اصلی گُردها در خراسان فقط سه شهر باقی مانده قوچان، بجنورد و درگز می‌باشد (کرزن، ۱۳۸۸: ۱۵۲). گُردهای کرمانج خراسان هم به شکل کوچ‌نشینی و هم به شکل یکجانشینی در روستاها و شهرها سکونت دارند. در سفرنامه خراسان نوشته ناصرالدین شاه قاجار به طایفه گُردهای خراسانی که در قوچان، بجنورد و شیروان سکونت دارند اشاره شده است (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۱۳۶).

گروه قومی دیگر ترک‌ها هستند که سرزمین اصلی آنها در آسیای مرکزی در ناحیه میان کوه‌های آرال و آلتایی بوده است و بنابه دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همواره به کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت قبایل ترک به ایران از نیمه قرن پنجم هجری آغاز شد (یوسف زاده، ۱۳۸۸: ۳۵). اشیپولرنیز بیان میکند مهاجرت ترکان به ایران اثر خود را تا به امروز بر جای نهاده است. به وسیله آنان ماورالنهر یک مملکت تقریباً تمام ترکی گشته و آذربایجان به صورت یک منطقه نزدیک به تمام ترکی شده ای در آمده است و در سرزمین فارسی زبان قطعات اراضی کم و بیش بزرگ ترکی نشینی وجود دارد (اشیپولر، بی تا: ۴۵۳). به‌طور کلی ترک‌های شمال خراسان پس از تات‌ها از قدیمی‌ترین ساکنان خراسان به‌شمار می‌روند. اصل و نسب برخی از آنان به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان می‌رسد. ترک‌های گرایلی و بغایری نسب خود را به مغولان می‌رسانند. ترکان تاتار و تمرتاش که توسط تیمور به خراسان آورده شدند، خود را از ترکان شامات می‌دانند و افشارها، بیات‌ها و قاجارها اصل و نسب خود را به ترکان آذربایجان می‌رسانند که برای دفاع از مرزهای خراسان در برابر هجوم ازبک‌ها به خراسان کوچ داده شدند (رحمتی، ۱۳۹۶: ج ۱/ ۶۲). در دوره صفویه به‌خاطر مسأله قدرتمند کردن نواحی خراسان و به‌ویژه شمال خراسان در برابر تهاجم ازبک و دشمنان صفویه،

تغییر و ترکیب جمعیتی شمال خراسان مورد توجه قرار گرفت و در دوره شاه اسماعیل، گروهی از طایفه افشاریه به شمال خراسان کوچ داده شدند. در دوره شاه عباس تعداد بیشتری از این طایفه به خراسان، به ویژه ناحیه ابورد، درگز و کلات انتقال داده شدند که بعدها نادرشاه افشار از میان همین جماعت برخاست. ایل افشار ابتدا در نواحی آذربایجان، آناطولی و غرب ایران ساکن بودند که توسط شاهان صفوی به خراسان آورده شدند (سعیدیان، ۱۳۷۵: ۵۰۳). سیاح و سفر نامه نویسی دوران قاجار ادوارد بیت ساکنین بخش هایی از خراسان به سمت شهرستان کلات را ترک هایی می داند که در دوره مغولان به این منطقه مهاجرت کرده اند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۹). مهم ترین مناطق ترک نشین در خراسان عبارت است از: بجنورد، شیروان، فاروج، قوچان، کلات و درگز (قلی زاده مزرچی، ۱۳۹۰: ۵۷). ترک های شمال خراسان از یک ایل بزرگ، سی طایفه و پنجاه وهشت تیره تشکیل می شوند (رحمتی، ۱۳۹۶: ج ۱ / ۶۴).

ترکمن ها قوم دیگر ساکن در شمال خراسان، یکی از اقوام ترک تبار آسیای میانه هستند که به زبان ترکمنی از زبان های ترک تبار شاخه اغوز غربی سخن می گویند. روند مهاجرت ترکمن ها از اوایل قرون اسلامی تا قرن پنجم ادامه داشت و آنها تا سال ۵۰۰ هجری قمری خود را به سواحل دریای خزر رساندند؛ مهاجرت ترکمن ها به سمت اترک و گرگان در قرن نهم هجری آغاز شد. پس از مدتی ترکمن های ساریق ارساری و سالر به جلگه های اطراف قوچان و بجنورد روی آوردند (گلی، ۱۳۶۶: ۲۰). آنها در دشت های وسیع کنار رود گرگان و اترک که به دریای خزر- در ساحل جنوب شرقی- می ریزد، سکنی گرفتند و اکنون تا حدود بجنورد و مشهد در خراسان پراکنده اند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲). ترکمن های شمال خراسان به شش طایفه تقسیم می شوند: گوگلان، یموت، تکه، ارسای، یازر و نخورلی. پس از انقلاب روسیه (۱۹۱۷م)، گروهی از ترکمن های آن ناحیه به نواحی ترکمن نشین ایران مهاجرت کردند که به آنها بلیش^۳ می گویند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۴). طایفه گوگلان بیشتر در نواحی کوهستانی گرگان و بخشی از آنها در بجنورد و طایفه تکه در ترکمنستان شوروی اقامت دارند و عده ای از آنان در اطراف گنبدکاووس و جرگلان بجنورد سکونت دارند و در شمال بجنورد در کوهستان ها، روستاهای تکه (گروه های توختمیش بیک و وکیل، اتامیش و بخش)، نخورلی، مخیلی... هستند (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۳۰۰-۳۰۱). امروزه ترکمن های خراسان شمالی از یک ایل، بیست طایفه و بیست وهفت تیره تشکیل شده اند.

۲. انواع سرپوش زنان

۲-۱. سرپوش زنان گرد: گرمانج ها دارای مجموعه غنی و متنوع از عناصر فرهنگی و انواع مهارت و فنون تهیه زیورها شامل پوشاک، انواع دست بافته ها و هنرهای دستی هستند. پوشاک کردهای خراسان، دارای فرم و هنجارهای پوششی ویژه خود است که آنان را از کردهای غرب ایران متمایز می کند. زنان، به عنوان نیمی از جامعه کردهای گرمانج خراسان، در طول تاریخ ایران نقش مهمی در تولید، ترویج و حفظ پوشاک سنتی خویش داشته اند و در حال حاضر همچنان از پوشاک سنتی گرمانجی در جشن ها و مراسم و آیین هایشان بهره می برند. پوشاک زنان عشایر گرمانج که بیشتر به عشایر قوچانی مشهور هستند، دارای ویژگی های خاص خود است که آنان را از زنان روستایی متمایز می کند. خاستگاه اصلی عشایر گرد خراسان، شهرستان قوچان است که در یک سده اخیر در سراسر شمال خراسان پراکنده شده اند. عشایر کوچ نشین را می توان در بنه های عشایری و بیلاق ها و قشلاق های اطراف شهرستان های چناران، قوچان، درگز، کلات، شیروان، بجنورد، مانه و سملقان، اسفراین، نیشابور و درگز مشاهده کرد. هر چند بخش بزرگی از آنها در چند دهه اخیر در این شهرها ساکن گشته اند، همچنان گروه چشمگیری از آنان به زندگی کوچ نشینی ادامه می دهند (مجدی، عربی و شادکام، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

تحرك و پویایی خاصی در میان زنان روستایی و عشایر برای تأمین خانواده وجود دارد و آنها برای انجام دادن همه فعالیت های خود، پیش از طلوع آفتاب کار و تلاش خود را آغاز می نمایند. بخش بسیاری از کارهای تولیدی و همه کارهای خانه را زن ها انجام می دهند. پاپلی یزدی (۱۳۷۱) درباره نقش اقتصادی زنان در میان کوچ نشینان گرد چنین

۱- (۱۲۶۵-۱۳۵۹ ه.ق/ ۱۸۴۹م - ۱۹۴۰م)

می‌نویسد: «مرد کوچ‌نشین که زنی در کنارش نباشد هرگز نمی‌تواند گله خود را اداره کند و حتی قادر به ادامه زندگی سنتی کوچ‌نشینی نخواهد بود. برای یک مرد کوچ‌نشین ازدواج کردن و یا زندگی کردن در خانواده‌ای که قبلاً تشکیل شده است، یکی از ضروریات برای ادامه دادن به کوچ‌نشینی است. زن‌ها که این چنین در اختیار مردان کوچ‌نشین هستند و همه نوع فعالیتی را انجام می‌دهند و نقش اساسی در تولید دارند» (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱: ۴۹۲). در چنین شرایطی سرپوش زنان کُرمانج باید به شکلی روی سر بسته می‌شد تا برای انجام دادن فعالیت‌های گوناگون روزانه آنها مانعی نباشد. اجزای سرپوش زنان عشایر کُرْد عبارت است از:

– **کِه وَن (kawn):** جزء اصلی سرپوش زنان کُرْد، به‌ویژه زنان عشایر قوچانی که‌ون نامیده می‌شود که مستطیل شکل و با ابعاد یک‌ونیم در دو متر است؛ بلندی آن نسبت به قد زنها ممکن است اندکی بیشتر یا کمتر شود. جنس که‌ون بیشتر از حریر روشن گلدار با نقش طاووس در حاشیه آن است (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸). این شال با توجه به عرض پارچه، دو تکه است که برای دوخت آن دو تخته پارچه را کنار هم دوخته می‌شود تا به شکل سه‌گوش و لچکی استفاده شود و پس از بر سر نهادن، یک گوشه آن را به زیر دستمال سر فرو می‌برند (وطن‌دوست، ۱۳۹۴: ۴۴). مشهورترین و محبوب‌ترین که‌ون، که‌ون طاووسی است (عکس ۱-۱).



۱-۱: که‌ون^۱

نقش طاووس‌ها در حاشیه شال به شکلی است که پس از بستن که‌ون بر سر، حاشیه نقش طاووس، از پشت، روی دامن می‌افتد و جلوه زیبایی پیدا می‌کند (شادکام، مصاحبه، ۲ مهر، ۱۴۰۰). تصویر طاووس‌ها ریزه‌کاری زیادی ندارد و همیشه با تاجی که بر سر طاووس هست قابل شناسایی است (کاظم‌پور و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۳). **نقش طاووس نماد و نشان دهنده تجمل و اشرافیت و شکوه و جلال است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). این نقش قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده است (دادور، ۱۳۹۰: ۱۱۴ و ۱۱۵). احتمالاً بیشتر زنان شیک پوش آن را سر می‌کردند.**

انواع دیگر که‌ون دارای نقش گل و شکوفه است. مشاهده حضوری و مصاحبه با آقای ایزانلو فروشنده لباس‌های کُرْدی (ایزانلو، مصاحبه، ۳ اردیبهشت، ۱۳۹۸) این نکته را تأیید می‌کند که رنگ زمینه بیشتر که‌ون، سفید یا شیری رنگ است که با ترکیب نقش گل و شکوفه و یا طاووس، زیبایی خیره‌کننده‌ای می‌یابد. برای بستن این سرپوش، یکی از لبه‌ها را به مقدار اندکی به داخل تا می‌کنند و روی سر می‌گذارند و سپس دستمال ابریشمی را به شکل سرپوش روی آن می‌بندند. در گذشته زنان عشایر قوچانی همراه با این سرپوش، کلاه تزیین شده با سکه و گار^۴ را نیز استفاده می‌کردند که امروزه رواج چندانی ندارد (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸).

۱. عکس‌ها از نگارنده است.

– **دستمال هفت رنگ (Dast male haft rang):** جزء دیگر سرپوش، دستمال ابریشمی هفت رنگ (به ابعاد تقریبی ۵۰ در ۵۰ سانتی متر) است که بیشتر دختران و زنان جوان به کار می‌برند. زنان مسن‌تر از دستمال‌های ابریشمی ساده‌تری استفاده می‌کنند که شبیه دستمال یزدی است (عکس ۱-۲).



عکس ۱-۲: دستمال هفت رنگ ۱.

زنان پس از گذاشتن کهن روی سر، این دستمال را سه گوش می‌کنند و روی سر می‌گذارند به طوری که لبه که وُن روی پیشانی از زیر آن پیدا باشد. دو گوشه دستمال را به پشت سر می‌برند و در جهت مخالف روی پیشانی برمی‌گردانند و گره می‌زنند. سپس لبه کهن را به پشت سر می‌برند و از سمت مخالف صورت، به زیر لبه دستمال می‌برند و می‌کشند و در پشت سر رها می‌کنند. معمولاً زنان عشایر دنباله آویزان بلند که وُن را از پشت سر، از درون کمر بند جلیقه می‌گذارند، به طوری که کمر بند گل دار جلیقه، روی که وُن قرار می‌گیرد و نمود بسیار زیبایی پیدا می‌کند. معمولاً زنان و دختران عشایر دسته‌ای از موی روی پیشانی را که که چه ک (که چه ک kačak/kajak) نامیده می‌شود، برای زیبایی از زیر که وُن بیرون می‌گذارند. همچنین در گذشته، زنان علاوه بر موی روی پیشانی، دسته‌ای از موهای روی هر دو شقیقه را که بسک (besk) نامیده می‌شود، با پنس‌های رنگی تزیین می‌کردند و از زیر که وُن بیرون می‌گذاشتند و باقی موها را به شکل دو یا چند بافته و سر بافته‌ها را با مهره‌های آبی رنگ و منگوله‌های ابریشمی تزیین می‌کردند که از زیر که وُن های نازک گل دار، جلوه بسیار زیبایی داشت. (مجدی، عربی و شادکام، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

– **کُم (کلاه) یا عرقچین (kum- araq čin):** عرقچین یا همان کُم در اصطلاح محلی کلاهی نسبتاً کوچک و دست بافت که تنها قسمت کمی از سر زنان را می‌پوشاند. در میان کُردهای خراسان دو نوع عرقچین رواج دارد. عرقچین ترکمنی، مانند عرقچین‌های امروزی ترکمن‌ها طرح دار و اغلب رنگ روشن دیگری عرقچین کرمانجی که دارای طرح ساده تری است. جنس هردوی این عرقچین‌ها از ابریشم بوده و بافت آن بسیار ظریف است. عرقچین کرمانجی معمولاً از پارچه‌های نخی قرمز است. در بین زنان کرمانج، عرقچین‌ها زیر شال و به عنوان محملی برای آویزان کردن گار یا گوشواره کُردی و سکه دوزی و مهره دوزی روی پیشانی استفاده می‌شود (وطن دوست، ۱۳۹۴: ۴۵). (عکس ۱-۳). کارری جِهانگرد ایتالیایی که در اواخر دوره صفویه به ایران آمده بود به این نوع سر پوش اشاره می‌کند زن های ایرانی کلاهی روی سر می‌گذارند، دور کلاه زنان ثروتمند سکه های طلا و نقره و سنگ های قیمتی دوخته می‌شود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۳۴).

1 - عکس از نگارنده است.

2 - (۱۱۳۸-۱۰۶۱/ق.۱۶۵۱-۱۷۲۵م).



عکس ۱-۳: گُم (کلاه) یا عرقچین.^۱

– **شال (shal):** اکنون شال‌های گلدار پشمی در شهرهایی همچون قوچان، شیروان و بجنورد، جزء اصلی سرپوش زنان روستایی است. این شال‌ها در رنگ‌های قرمز، شیری، سفید، زرد و آبی استفاده می‌شود. معمولاً هنگام پوشیدن این شال‌ها، یکی از لبه‌های آن را اندکی به درون تا می‌زنند و روی سر قرار می‌دهند؛ سپس یک لبه شال را دور سر می‌پیچانند و در بخش مخالف صورت، زیر لبه شال در کنار صورت محکم می‌کنند (عکس ۱-۴).



عکس ۱-۴: شال.

به جز شال‌های پشمی، شال‌های نخی نیز کاربرد دارد. شال‌های نخی بیشتر سفید رنگ‌اند و طرح‌هایی همچون گل‌های ریز دارند.

در گذشته استفاده از چارقد نیز در میان زنان گُرمانج متداول بود. چنان که کلنل چارلز ادوارد بیت، کنسول کنسولگری انگلیس در ایران دوران قاجار، هنگام دیدار با شجاع‌الدوله، حاکم وقت قوچان، به تعدادی بانوی گُرمانج برمی‌خورد که چارقد‌های سفیدی بر سر داشتند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۶۳). زنان گُرمانج همچنین روسری‌های مربع شکل بر سر می‌کردند، آن را به صورت مثلث تا می‌زدند و با آهار نشاسته، به آن شکل گرد می‌دادند و زیر چانه خود سنجاق می‌کردند (شهشهانی، ۱۳۹۶: ۱۷۳). بر روی روسری‌های زنان از نقوش گیاهی متأثر از طبیعت استفاده می‌کردند و پارچه‌های گلدار را برای روسری و چارقد زنان گُردی انتخاب می‌کردند (عابدی. مصاحبه، ۵ آذر ۱۴۰۱).

1 - عکس‌ها از نگارنده

در منطقه کلات نادری، سرپوش زنان کُرد دارای ویژگی‌های خاص خود است. شاخص‌ترین روستای منطقه کلات، روستای لایین است که به همراه چند روستای دیگر همچون سندیفال، کرناوه و کریم‌آباد، پوششی شبیه به هم دارند. سرپوش زنان لایینی معمولاً همان شال پشمی بزرگ چهارگوش (به ابعاد ۱,۵ در ۱,۵ متر) است که با ریشه‌های بلند مشکی و طرح زمینه مشکی و دارای یک نوار در چهار دور که داخل آن گل و در هر چهار گوش یک نقش بُتَه جِقَه وجود دارد که در زبان محلی شار (Shar) نامیده می‌شود. زنان، ابتدا شار را سه‌گوش می‌کنند و بر سر می‌گذارند و سپس یکی از لبه‌ها را از پشت سر می‌چرخانند و در قسمت مخالف صورت به زیر لبه شال در کنار صورت می‌برند (عکس ۱-۵).



عکس ۱-۵: شار. (عکس از خانم گلی شادکام)

گاهی زنان لایینی از قطعه پارچه‌ای از ابریشم سرخ‌رنگ در ابعاد ۱,۵ در ۱,۵ متر استفاده می‌کنند که به آن نیز شال می‌گویند و به شیوه خاصی بر روی شار، به صورت سربند می‌بندند و لبه‌های آن را در پشت رها می‌کنند. با توجه به عرض کم پارچه‌های ابریشم دستباف، چهار تخته ابریشمی به ابعاد تقریبی سی‌وهفت سانتی‌متر در ۱,۵ متر بافته می‌شود و سپس با دوختن چهار قطعه از آن در کنار هم، یک شال فراهم می‌شود (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸).

- چنگه (čanga): جزء دیگر سرپوش زنان لایینی چنگه است. چنگه نواری پهن به عرض هفت تا ده سانتی‌متر است (عکس ۱-۶).



عکس ۱-۶: چنگه. ۱

زنان لایینی به سه شکل چنگه را تزئین می‌کنند: چنگه سکه‌دوزی، نواری و نقش‌دوزی شده (لامی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). زنان جوان از چنگه سکه‌دوزی شده استفاده می‌کنند و زنان کهن‌سال بیشتر چنگه نواری به کار می‌برند. تگه‌های پهن از روی استخوان فک طرفین صورت شروع می‌شود، در قسمت بالا با دو قلاب فلزی به پارچه روسری متصل می‌گردد و روی این نوار پهن از قسمت گوش‌ها به سمت بالا پول‌دوزی شده است. جهت سکه‌ها به سمت پایین قرار دارد و گیره یا سوراخ سکه به سمت بالاست، ولی از پایین دوخته می‌شود و دو قلاب در قسمت بالا قرار دارد که به شال زیرین متصل می‌شود و دو قلاب که از پشت سر وصل می‌شود؛ گاهی برای استحکام بیشتر، دور آن را قیطان‌دوزی می‌کنند (امیدی، ۱۳۸۲: ۲۸).

- **روبند عروس:** رسم است برسر عروس پس از پوشاندن کامل پوشاک او، روبند سرخ رنگی می‌اندازند. به گفته افراد محلی استفاده از روبند سرخ رنگ سالها بین این قوم رواج داشته است. (شادکام، مصاحبه، ۲ آبان، ۱۴۰۰). رنگ سرخ تحریک کننده و نشاط آور است و نماد جشن و سرور می‌باشد (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۶۹). این روبند از جنس ابریشم است که تمام تن عروس را می‌پوشاند و با قطعه تزئینی که معمولاً جنس آن نقره است و سلسله یا زلزله نامیده می‌شود، در قسمت پیشانی و سر بسته می‌شود (عکس ۱-۷).



عکس ۱-۷: روبند عروس.

لیچک در منطقه کلات، عشایر طایفه بریو یا بریوانلو^۵ ابتدا کلاهی به نام لیچک (ličak) را بر سر می‌گذارند. این کلاه به شکل کاسه‌ای و از جنس نخ ساخته می‌شود و دو تکه اضافه نیم‌بیضی شکل دارد و روی گوش‌ها قرار می‌گیرد و از زیر شال دیده می‌شود (عکس ۱-۸). معمولاً روی این دو تکه را سوزن‌دوزی می‌کنند. زنان برای کامل شدن پوشش سرشان، بر روی این کلاه، شال‌هایی از جنس نخ یا پشم گل‌دار بر سر می‌کنند (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸).



عکس ۱-۸: لیچک. (عکس از خانم گلی شادکام)

جدول ۱- سرپوش زنان گُرد شمال خراسان (گُرمانج)^۶

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۱-۱	کَه وَن	مستطیل شکل	رنگ زمینه سفید، شیری	با حاشیه شکل طاووس یا گل، شکوفه و برگ	حریر نازک	عموم مردم	گُردها (عشایر کوچ‌رو قوچانی)
۲-۱	دستمال هفت‌رنگ	چهار گوش	هفت‌رنگ و یا ساده تک‌رنگ	خط‌دار	ابریشم	زنان جوان و سال‌خورده ساده	زنان گُرد و ترک با تفاوت‌هایی
۳-۱	کُم یا عرقچین (کلاه)	کاسه‌ای	گل‌دار یا ساده	نقوش یا دوخت ریز و آویزهای فلزی	ابریشم، نخ، یا مخمل	عامه مردم	مشترک در فرم کاسه‌ای آن با زنان ترک و ترکمن؛ اما با نقش‌ها و تزیینات متفاوت
۴-۱	شال پشمی	چهار گوش گل‌دار	قرمز، شیری، سفید و زرد	گل‌دار	پشمی	عموم	مشترک میان زنان گُرد، ترک و ترکمن

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۵-۱	شار	چهارگوش و لبه ریشه‌های بلند سیاه	زمینه سیاه	دارای نقش‌های گل در حاشیه و نقش ترنج	پشمی	مخصوص زنان لایین	زنان لایین
۶-۱	چنگه	مستطیل شکل	رنگی و یا با سکه‌های نقره	نقوش ظریف و سکه	نخ و ابریشم و سکه نقره	زنان جوان و نوعروس‌ها با سکه و زنان سال‌خورده با نوار	زنان کُرد منطقه کلات
۷-۱	روبند عروس	مربع بزرگ قرمز و دارای تزیین نقره	ساده	حریر	ابریشم	عروس	مشترک زنان کُرد و ترک
۸-۱	لیچک ličak	کاسه‌ای با دو قطعه بیضی‌شکل بر روی گوش‌ها	بخش روی گوش، سوزن‌دوزی شده الوان رنگی	نقش‌های هندسی ظریف	نخ	عشایر بریو یا بریوانلو	عشایر کُرد منطقه هزارمسجد (کلات)

۲-۲. **سرپوش زنان ترک:** سرپوش زنان ترک اقوام شمال خراسان شامل عرقچین و شال، قَسَّوَه یا قَصَبَه^۷، یاشماق (یَشماق)^۸ و توتوق، اوزتوتار^۹ است که هر یک کاربردی داشت.

- **کولته (عرقچین) (kolta - Araqcın):** کولته یا عرقچین در اصطلاح محلی، غلامان کلاهی نسبتاً کوچک و دست‌دوز و برای نوعروسان و دختران با پارچه قرمز رنگ معروف به تافتا یا ایپی با آستر نخی و برای زنان سال‌خورده با پارچه‌های نخی سیاه‌رنگ و بی‌نقش دوخته می‌شود. این نوع عرقچین‌ها دو تکه است و کف آن به گرد و دورتادور آن به مستطیل شکل است. لبه‌های اطراف و بخش بالایی کلاه‌های ابریشمی برای جوانان و نوعروسان با نخ‌های رنگی ابریشمی نقش‌دوزی می‌شود (روحانی. مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸). بخش جلوی کلاه عروس‌ها با سکه‌های نقره‌ای (رک سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۷) و گاهی با منجوق تزیین می‌شود، یعنی سکه‌ها را سوراخ می‌کنند و در بخش جلویی کلاه و در چند ردیف می‌دوزند (عکس ۱-۲).



عکس ۱-۲: کولته (عرقچین).^۱

- ایپی دسمال (Eipey dasmal): دستمال ابریشمی که به رنگ سیاه و چهارگوش است و با نوارهای گاهی سرخ و یا سیاه، در دو سر ریشه و در مناطقی از خراسان روی عرقچین بسته می‌شود؛ یعنی ابتدا عرقچین را روی سر می‌گذارند، و بعد روسری اصلی را می‌گذارند سپس با دستمال ابریشمی روی عرقچین را می‌بندند (حصاری، مصاحبه، ۱۲ مهر، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد ایپی دستمال ترکها شبیه دستمال هفت رنگ کرمانج هااست که از نظر رنگ با هم فرق دارد. (عکس ۲-۲).



عکس ۲-۲: ایپی دسمال.

1 - عکس عرقچین قرمز از آقای روحانی است.

- ایپ شال (Eip sal): همان شال‌های گل‌دار در رنگ‌های متفاوت، با جنس پشم و دورتادور آن ریشه‌های بلند برای نوعروس‌ها از رنگ قرمز استفاده می‌شود (جواهری. مصاحبه، ۱۳ آبان، ۱۴۰۰). همانطور که ذکر شد رنگ قرمز سمبل نشاط و حیات و زندگی است (اتین، ۱۳۶۷: ۲۱۴). (عکس ۲-۳).



تصویر ۲-۳: ایپ شال. ۱

- یای لِق یا یاغَلِق (چَرَقَت) (Yayleq Yagleq): زنان ترک از یایلیق یا چارقده، چرقت، از پارچه‌های ابریشمی چهارگوش یا سه‌گوش سفید که بافت قواره‌ای و طرح‌های به خصوصی به خود داشت (عکس ۲-۴)، به‌عنوان روسری زنانه استفاده می‌کنند (سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۶) و روی آن سربندی به نام شامخی می‌بندد رنگ آن سفید می‌باشد.



عکس ۲-۴: یای لِق یا یاغَلِق (چَرَقَت).

به گفته آقای کوهستانی یاغلیق دو نوع است: قواره کوچک و قواره بزرگ. معمولاً هنگامی که عروس را آماده می‌کنند، از هر دو نوع آن استفاده می‌شود و در مواقع دیگر فقط یکی را به کار می‌گیرند آن زمانی است که چرشو (چادر شب) ابریشمی برای سر اندازی استفاده می‌کنند، که در آن صورت یاغلیق قواره بزرگ به کار نمی‌آید (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸). رنه دالمانی (۱۸۶۳-۱۹۵۰م) به سر پوشی اشاره می‌کند که زنان پارچه گاز سفید آهاری زده ای بر سر دارند که به آن چهار قد می‌گویند این پارچه سرو گوشه‌های و اطراف صورت را می‌پوشاند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵، ۲۹۰).

- چَرشو، چَرچُ (چادرشب) (char su - carsow): چَرچُ پارچه‌های چهارگوش با طرح‌های چهارخانه‌ای از جنس ابریشم هستند که در روستاهای ترک‌نشین کلات مرسوم است. یکی از کاربردهای چرشو یا همان چادرشب، چادر است که گاهی با ابریشم درجه‌ی دو بافته و "بابری" چرشو نامیده می‌شد و گاهی با نخ پنبه‌ای که کودری نام داشت (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸). مک گر گر (۱۸۸۷-۱۸۴۰م) در شرح سفری به ایالت خراسان اشاره دارد در سر راه کلات روستای که عده ای ترک در آن ساکنند که از بخارا به این جا آمده اند در این جا زنان عوض جامه آبی یا سفید که سایر زنان ایرانی می‌پوشند یک نوع جامه رنگی چهارخانه در بر دارند (مک گر گر، ۱۳۶۶: ۵۶). چادرشب در منطقه روستای ایده لیک و رباط، جنس ضخیم و نقش چهارخانه راه‌راه دارد. اگر چادرشب چهارخانه و با سه رنگ زرد، نارنجی و خاکستری بافته شده باشد، به آن باوری می‌گویند. اگر در بافت آن از رنگ زرد بیشتر استفاده شود، آن را سارله (به زبان ترکی غلبه رنگ زرد بر پارچه) می‌گویند. همچنین به چادرشبی که رنگ سبز آن بیشتر باشد، آذربانی یا آذربایجانی گفته می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۳۰)، (عکس ۲-۵).



عکس ۲-۵: چَرشو، چَرچُ (چادرشب).^۱

- قَسَّوَه یا قَصَبَه (Ghes sevah): به روسری‌هایی با انواع طرح و رنگ گفته می‌شود که زنان ترک در مناطقی همچون شیروان و شهر غلامان به دور سر عروس می‌بستند. ابتدا این روسری را از دو طرف جمع می‌کردند و از قسمت وسط دو گره می‌زدند تا میان آن برجستگی ایجاد شود (روحانی. مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸). گره باید درست بالای پیشانی و میان دو ابرو و بخش انتهایی موی پیشانی قرار می‌گرفت و پس از آن روی سر عروس شال قرمز ابریشمی یا پشمی می‌انداختند و از پشت شال به آن سنجاق می‌زدند (عکس ۲-۶).

1 - عکس از نگارنده است.



عکس ۲-۶: قَسْوَه یا قَصْبَه. ۱

- **یاشماق (یَاشماق) (yasmaq):** به معنی پوشاندن بخشی از چهره است. یاشماق روسری ابریشمی است که زنان ترک به دور سر و گردن و مقابل دهان خود می‌بستند. زنان صورت خود را با گوشه روسری می‌پوشاندند به گونه‌ای که به جز چشم‌ها، تمام چهره پوشیده می‌شد. به این عمل یاشماق توتماق می‌گفتند (عکس ۲-۷). (سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۳). آقای کوهستانی درباره یاشماه عنوان می‌کنند یاشماق به عنوان یک سر پوش، در اصل تکه ای لچکی است که عروس خانم های ایلات ترک، بر صورت خود می‌بندند و در نبود آن از گوشه یاغلیق خود استفاده می‌کنند. یاشماق توتماق به عنوان رسمی است که عروس خانم ها ترک، جهت حفظ حرمت خود و احترام به بزرگترها و اعضای خانواده داماد، سر پوشی با همین نام یا با گوشه یاغلیقشان صورت خود را می‌پوشاندند که آداب خاص خود را دارد (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸).



عکس ۲-۷: یاشماق. ۲

1 - عکس از آقای روحانی است.
2 - عکس آقای علی کوهستانی اسبق سو.

- **توتوق، اوز توتار** (tutugh-uz Tutar): دستمال بزرگ حریری که برای پوشاندن چهره عروس به کار می‌رفت. (کوهستانی اسبق سو . مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸)، (تصویر ۲-۸).



عکس ۲-۸: توتوق، اوز توتار.^۱

این دستمال مستطیل شکل و ویژه زنان ترک کلات نادری است؛ اما در دیگر مناطق ترک‌نشین، شال قرمز را به شکل چهارگوش روی سر عروس می‌انداختند. به گفته آقای روحانی اوز توتماقق در منطقه غلامان نو عروسان گوشه‌ی روسری صورت خود را در مقابل مادر شوهر، پدر شوهر و برادر شوهر می‌پوشاند و تا هدیه‌ای از اینها دریافت کند که متفاوت از یاشماق می‌باشد (روحانی. مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸).

جدول ۲- سرپوشی زنان ترک شمال خراسان^{۱۰}

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۱-۲	عرقچین	دو تگه: کف آن به گرد و دورتادور آن به شکل مستطیل و یا کاسه‌ای	سیاه و قرمز و مختلف	برای عروس قرمز و رنگی سال خوردگان سیاه و بی‌نقش گاهی با شکل‌های هندسی	نخ یا ابریشم با استر نخ‌ی رنگارنگ	سال خورده و دختران جوان تر و عروس	مشترک در فرم کاسه‌ای آن با زنان اقوام ترک و ترکمن ولی با نقش‌ها و تزیینات متفاوت

1 - عکس از نگارنده است.

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۲-۲	ایپی دسمال	چهار گوش با نوارهای قرمز و یا کامل سیاه و دو سر ریشه	سیاه	حاشیه راه راه	ابریشم	سال خورده و میان سال	مخصوص زنان ترک (دستمال ابریشم سیاه با حاشیه مشترک میان ترک و کُرد شبیه دستمال هفت رنگ کُردها
۳-۲	ایپ شال	گل دار ریشه دار	رنگ های گوناگون و قرمز	گل	پشم	عامه	مشترک میان زنان کُرد، ترک و ترکمن
۴-۲	یایلیق یاغلیق	چهار گوش و بعد به شکل سه گوش و لچکی	گاهی سفید	ساده و سفید	نخ	سال خورده	ویژه ترک ها
۵-۲	چرشو	چهار گوش با طرح چهارخانه	زرد و نارنجی و خاکستری	چهارخانه و ساده	ابریشم، گاهی از پشم	سال خورده به عنوان چادر	مخصوص زنان ترک
۶-۲	قسوه	چهار گوش روسری	گوناگون	گل دار یا ساده هر نوع روسری	نخ	پیشانی عروس، دور سر عروس	ویژه (عروس) زنان ترک
۷-۲	یاشماق	چهار گوش که سه گوش کرده یک بخش از آن بر روی دهان قرار می گیرد.	مختلف	گوناگون	ابریشمی	عامه	مشترک میان ترک و ترکمن
۸-۲	توتوق، اوز توتار	ساده مستطیل شکل و گاه شال قرمز چهار گوش روی چهره عروس می انداختند.	قرمز	ندارد	حریر، گاهی ابریشم	پوشاندن چهره عروس	مشترک میان زنان کُرد و ترک؛ اندازه و طرح متفاوت

۲-۳. **سرپوش زنان ترکمن:** کلاه و سربند در میان ترکمن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. کلاه و سربند نه تنها معرف طایفه است بلکه موقعیت زنان ازدواج کرده یا دختران را آشکار می‌سازد. در واقع مهم‌ترین ویژگی پوشاک زنان ترکمن پوشش سر آنها است. در میان زنان ترکمن، سرپوش‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

کلاه (کلاه بوروک - کلاه حصیری، تبرک - کلاه خساوه). پیشانی‌بند، آنق، آل‌دانگی. روسری (چارقد - آل‌پلنگی یا دستمال ابریشمین - دستمال کلاه - چاشو - یشماق - قی‌قلاچ).

- **کلاه، بورک (طاقیه یا تخیه) (Burk):** دختران کلاه یا عرقچین گرد، صاف و بدون برجستگی را بر سر می‌گذارند که تمام سطح آن با الیاف ابریشمی رنگارنگ دست‌دوزی شده است. در گذشته دختران ترکمن تا پیش از ازدواج این کلاه را بر سر می‌گذاشتند و از روسری استفاده نمی‌کردند، و پس از ازدواج این کلاه را از سر برمی‌داشتند و کلاه دیگری بر سرشان می‌گذاشتند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). این عرقچین با سکه آویز، زیورآلات نقره‌ای، پولک، قبه آراسته می‌شود. معمولاً در وسط و در بالای کلاه، یک قبه نقره‌ای قرار می‌دهند که به شکل مناره یا برج کوچکی است. یادآوری می‌شود که معمولاً عرقچین‌هایی که دختران بر سر می‌گذارند، ساده و بدون زیورآلات است (عکس ۳-۱). معمولاً نقش مایه‌های هندسی چون لوزی بر عرقچین نقش بسته است که به گفته شفرد لوزی مظهر نیک بختی و پیروزی است (شفرد، ۱۳۹۳: ۳۵۱).

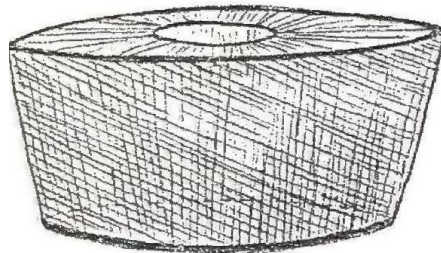


عکس ۳-۱: کلاه، بورک (طاقیه یا تخیه).^۱

به‌طور کلی کلاه دختران پیش از ازدواج به نام‌های تاسه‌ک، تاسرک، طاخیه، طاقیه و یا بوروک نیم‌کره‌ای بوده و هست که گاه سکه‌های نقره‌ای بسیار روی آنها دوخته می‌شود. عرقچین دختران کمی بلندتر از عرقچین مردهای ترکمن است. اکنون دختران ترکمن عرقچین‌های روزانه‌ای بر سر می‌گذارند که هیچ نوع زینتی ندارد و به‌وسیله روسری (چارقد) پوشیده می‌شود (معطوفی، ۱۳۸۳: ج ۳/ ۲۳۰۸).

1 - عکس از نگارنده است.

- **کلاه حصیری، تِبرلک (Teberlek)** یک نوع کلاه بلند حصیری استوانه‌ای یا دوزنقه‌ای شکل و قارچ‌گونه است که در قسمت بالا نسبت به پایین اندکی فراخ‌تر می‌شود و مخصوص زنان طایفه ساریق و تکه است. این کلاه به شکل حلقه‌ای محکم به بلندی ده تا پانزده سانتی‌متر است و از موادی همچون کرباس رنگ شده، کاغذ، ساقه‌های باریک نی و چوب جارو با دست بافته می‌شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۷۹). (عکس ۳-۲).



عکس ۳-۲: قالب کلاه حصیری (تبرلک)^۱

- **خِساوه (Khesaveh - Xesaveh):** کلاه کهن زنان جوان یموت^۱، خساوه نامیده می‌شود که یادآور کلاه زنان ساریق است. این کلاه دراز و پشت آن پهن و از جلو دوزنقه بریده‌ای است که هرچه بالاتر می‌رود، تنگ‌تر می‌شود. زنان یموت در بالای خساوه، خلعت ابریشمی به رنگ سبز می‌انداختند که با سکه‌های نقره آراسته می‌شد. خساوه را بیشتر زنان جوان بر سر می‌گذاشتند (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۷۲).

- **پیشانی‌بند: (Pesni band)** دختران ترکمن پس از ازدواج به جای کلاه از سر بند هایی که به صورت خاصی دور سر پیچانده می‌شود، استفاده می‌کنند. به سر بند زنان عموماً "آلین دانگی" گفته می‌شود. نحوه بستن این سر بند در میان طوایف مختلف ترکمن متفاوت بوده (رستمی و منیر، ۱۳۹۶: ۷۲). ترکمن‌های نخورلی از این پیشانی‌بند بهره می‌برند. پیش از حرکت عروس به خانه شوهر، تاج عروس را بر سر او می‌گذارند. این تاج عروس (آلین دانگی) از نی‌های بسیار ریز شبیه جارو بافته شده است و به دور آن پارچه‌ای می‌کشند و سپس زیور پیشانی (آلین شای) را به آن وصل می‌کنند (گلی، ۱۳۶۶: ۳۱۸). این پیشانی‌بند در میان طوایف گوناگون ترکمن به شکل‌ها و اندازه‌های متفاوتی دیده می‌شود و زنان طوایف با توجه به سن و سال از انواع آن استفاده می‌کنند. در گذشته، نوعروسان در برخی نقاط، از پیشانی‌بندهای بلند استفاده می‌کردند و به تدریج که به میان‌سالگی می‌رسیدند، به ازای هر سال حدود دو انگشت از ارتفاع آن کاسته می‌شد و وقتی کوتاه می‌شد به آن تارک می‌گفتند (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۱). در این مرحله پیشانی‌بند زنان به رنگ سیاه درمی‌آید که نشانه پختگی، کارکشتگی و مجرب بودن آنها است (عکس ۳-۳).

۱ - عکس برگرفته از کتاب: محمدی، رامونا (۱۳۸۸)، زیور الات ترکمن، ص ۸۸



عکس ۳-۳: پیشانی‌بند.

رنگ پیشانی‌بند برای زنان جوان از میان رنگ‌های شاد، به‌ویژه سرخ انتخاب می‌شد که گاهی رنگ آن سفید بود. رنگ قرمز نشان‌دهنده جوانی، طراوت، درخشش و زیبایی، و رنگ سفید نمایانگر تجربه، آرامش، صفا و دوستی، و رنگ سیاه نشانه کهن‌سالی، سکون و غم بود (میرنیا، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

- چارققد، روسری (Carqad): این سربند دستمالی گاه با زمینه مشکی و یا به رنگ‌های دیگر با نقش‌های درشت به رنگ زرد و نارنجی بود که بر روی آن، روسری بزرگ‌تری تقریباً به اندازه نصف چادر با ریشه‌های بلند و نقش‌هایی از گل‌های رنگین استفاده می‌کردند (قوی‌پنجه، ۱۳۹۴: ۶؛ رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ یآوری، ۱۳۹۱: ۹۰). رنگ‌های به کار رفته همچون رنگ زرد از رنگ‌های نورانی است که کنایه از خورشید و جاودانگی است و رنگ نارنجی نماد طراوت و شادی و موجب شفافیت و روشنی ذهن می‌شود (استوار، ۱۳۹۱: ۱۳-۲۱). زنان ترکمن هنگام عروسی و یا هنگام رفتن به بیرون از خانه، علاوه بر یالق و آلدانگی، از شالی بزرگ (چارقت)، روسری‌ها و سراندازهای بزرگ استفاده می‌کردند که در گذشته از جنس ابریشم بود؛ ولی امروزه به‌جای آن از پیت گل‌دار با ریشه‌های بلند مکرومه‌دوزی شده استفاده می‌شود (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۶۲). چارقدهای ترکمنی در قواره‌های بزرگ و با طرح‌های متنوع، کاملاً جلب توجه می‌کند و زیبایی خاصی به زنان ترکمن می‌بخشد (عکس ۳-۴).



تصویر ۳-۴: چارقده، روسری.^۱

ناهید امیدی به پنج نوع از این چارقدها اشاره کرده است: شبدالی، پاییزی، مریم شال، گوزر و مارال (امیدی ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۹). امروزه با وجود رشد شهرنشینی و کم‌رنگ شدن آداب و رسوم سنتی در میان ترکمن‌ها، همچنان این چارقدهای بسیار زیبا به کار می‌رود.

از انواع دیگر روسری‌های زنان ترکمن که می‌توان نام برد، دستمال ابریشمی پُرنقش آل‌پلنگی است که روی تبرک به‌سر گذارده می‌شود و دستمال کلاه که از جنس نخ و کلاه حصیری بانوان در آن پیچیده می‌شود. چاشو (چشو) نام روسری گران‌بهای دیگری است که بیشتر در میان زنان طایفه یموت رواج دارد و باید عروس پیش از سوار شدن به خودرو یا مرکب عروسی، بر سر بگذارد. چاشو چهارگوش، با جنس ابریشمی و به رنگ قرمز و گاهی با طرح چهارخانه‌ای با حدود سیزده متر طول و پنجاه سانتی‌متر عرض است (مصلحی جویباری، ۹۷: ۲۳).

1 - عکس‌ها از نگارنده است.

- **قی قاج** (Ghe - ghach- qiqac): سرپوش نقش دار سه گوش ترکمنی است که گاهی زمینه ای ساده با حاشیه سوزن دوزی و یا از پارچه های متنوع با ریشه های دست بافت قرمز و مشکی است. امیدی (۱۳۸۳) درباره استفاده از این سرپوش در میان زنان ترکمن می نویسد: «علاوه بر آن که از نامحرم رخ می پوشانند، به احترام کهن سالان، مخصوصاً از پدرشوهر و اقوام او رو گرفته و در حضور او حتی صحبت هم نمی کنند؛ مگر در صورت لزوم. پدرشوهر به پاس این که عروسش حرمت او را حفظ نموده، پس از مدتی که معمولاً بیش از پانزده سال است، جشنی ترتیب می دهد و هدیه ای به نام رونما برای عروسش تهیه می کند. پس از آن، عروس با اجازه آنها می تواند نقاب از چهره بردارد.» (امیدی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). در طی مصاحبه ای که با خانم ناهید اسپوتنن فرد انجام گرفت، ایشان بیان کرد که پس از گذاشتن توپی، پارچه سه گوش با ریشه های قرمز و سیاه به نام قی قاج گذاشته می شود. ادامه قی قاج برای یاشماق به کار برده می شود. این دهان بند را با بند از پشت به مجموعه زیرین آن متصل می کنند و به فرم یاشماق، جلوی دهان را می پوشانند (اسپوتنن فرد، مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸). (عکس ۳-۵).



عکس ۳-۵: قی قاج. ۱

یاشماق، (Yashmagh): در لغت نامه دهخدا یاشماق، چارقدی که زنان ترک سر و نیمه زیرین روی را بدان پوشانده بیان میکند، لچکی که بر چانه بندند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۲). یاشماق در بین زنان ترکمن نماد احترام، که دنباله قی قاج می باشد و جلوی دهان گرفته می شود و انتهای آن به وسیله بند مربوطه بافته شده از نخ و ابریشم یا به وسیله منجوق به توپی وصل می شود (عکس ۳-۶).

1 - عکس از نگارنده است.



عکس ۳-۶: یاشماق، یالق. ۱

- **کورتِه یا چیرپی (Cirpi - Curteh):** شئل تشریفاتنی یا شبه آستین‌هایی است که هنوز زنان تکه آن را می‌پوشند و از سمت راست بدن تا زیر بغل سمت چپ می‌افتند. نوعی از آن با آستین‌های گشاد را کورتِه می‌گویند و به آن بخش آستین‌مانند که آستین نیست، یلک گفته می‌شود و زنان شوهردار بر سر می‌گذارند. جنس آن ابریشمی و دارای طرح‌های زیبایی هندسی به رنگ‌های زرد، سفید، قرمز و سیاه است (اسپوتنن‌فرد. مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸). اندروز (۱۳۸۲: ۳۶۲) می‌نویسد که رنگ این سرپند مشخص‌کننده سن و مقام دارنده آن است. نوع یموت به نام بورنجک ساده‌تر است و از ابریشم سبز مزین به قرمز دوخته می‌شود. همه آنها به دور یقه پیچک‌های گل‌دوزی شده داشتند. این سرپند ابریشمی که گاهی تا بیست سانتی‌متر طول دارد، امروزه نیز در مراسم ویژه همراه با پلاک نقره‌ای مستطیل شکل خمیده‌ای در جلو اغمه و دسته‌هایی از پلاک‌های متزلزل کوچک‌تر اوورمه توسط طوایف تکه طی دهه ۱۹۷۰ م. پوشیده می‌شد (عکس ۳-۷).



عکس ۳-۷: کورتِه یا چیرپی.

1 - عکس از نگارنده است.

این سربند را در تکه، سمق، در ایر، ساری، یغمک و در گذشته در یموت، خسبه می‌نامیدند. سربند ساخته شده در تکه به‌طور کلی با پارچه زرین و طرح‌های نقش‌دار مواج پوشانده و آراسته می‌شد و عقیق‌های جگری‌رنگ روی آن سوار می‌شد. رنه دالمانی به همین دلیل عنوان می‌کند هنرمندان ایرانی با سوزن و ابریشم نقش‌های بسیار مطلوبی از شاخ، برگ، گل و اشکال هندسی در روی پارچه می‌اندازند و در ترکیب رنگ‌ها و هم‌آهنگی نقش‌ها دقتی به عمل می‌آورند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۷).

- **تویی (Topi):** نوع دیگری از سرپوش زنان ترکمن است که از یک حلقه گرد سبک از جنس حصیر یا چوب جارو ساخته می‌شود و روی سر گذاشته می‌شود. سپس یالق به آن تویی می‌بندند و زنان متأهل از آن استفاده می‌کنند (اسپونتن فرد، مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸) (تصویر ۳-۸).



عکس ۳-۸: تویی.

جدول ۳- سرپوش زنان ترکمن شمال خراسان^{۱۲}.

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۳-۱	بوروک تاخیه	کلاه گرد و کوچک، صاف و بدون برجستگی	زرد و سفید	طرح هندسی	ابریشم	مردم عامه بیشتر جوانان	مشترک در فرم کاسه‌ای آن با زنان ترک ترکمن؛ با نقش‌ها و تزیینات متفاوت

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
۲-۳	تبرلک	حلقه‌ای به ارتفاع دو سانتی‌متر درون پارچه نخی پیچیده و روی سر می‌گذارند	ساده به رنگ‌های گوناگون	سوزن‌دوزی نقوش برگرفته از قالی و قالیچه ترکمنی	حلقه تو خالی که ممکن از هر جنسی باشد	در طایفه یموت دختران پس از عروسی استفاده می‌کنند.	ترکمن
۳-۳	آلانگی پیشانی بند	پارچه دولایه مستطیلی به عرض ۲۰ سانتی‌متر ریشه‌دوزی شده. دو سر آن از پارچه محکم‌تر و متراکم‌تر	مشکی، سفید، قرمز	قسمت پایین طرح هندسی	در گذشته ابریشمی و امروزه از انواع پارچه‌ای برای قی قاج	نشانه شوهردار بودن همه زنان بعد از عروسی استفاده می‌کنند	ترکمن
۴-۳	چارقد	روسرهای پشمی گل‌دار ۱,۵ در ۱,۵ متر از وسط تا شده با ریشه‌های مکرومه به نام پورجک	رنگ‌های گوناگون	نقوش گل و بوته و طبیعت و نقش‌های اسلیمی	در گذشته ابریشم و امروزه پشمی	دختران و زنان ترکمن	ترک و گُرد و ترکمن
۵-۳	قی قچ یا بالق	پارچه‌ای سه‌گوش دورتادور ریشه‌دوزی شده.	قرمز بیشتر از جنس ابریشم امروزه رنگ‌های متفاوت	روی پارچه ابریشمی نقش‌هایی به نام‌های بش نقیش، اوچ نقیش و...	ابریشمی در گذشته و امروزه پشمی و پنبه و کتان	زنان از شب عروسی به بعد در هر طبقه‌ای	ترکمن
۶-۳	یاشماق	قسمتی از انتهای قی قاج که روی دهان را می‌پوشاند	متناسب با رنگ قی قاج	روی پارچه ابریشمی نقش‌هایی به نام‌های بش	ابریشمی در گذشته و امروزه پشمی،	زنان از شب عروسی به بعد در	ترکمن، ترک

شماره	نام سرپوش	مدل	رنگ	نقش مایه	جنس	طبقه	اختصاصی یا مشترک
				نقیش، اوچ نقیش و...	پنبه و کتان	هر طبقه‌ای	
۷-۳	کورته یا چیرپی	به فرم کت ولی برخلاف ظاهر یک سربند	رنگ‌های زرد و سفید و قرمز	نقوش هندسی	ابریشم	زنان متأهل	ترکمن
۸-۳	توبی	به شکل حلقه‌ای و گرد	کرم و زرد پارچه که روی آن قرار می‌گیرد برای پوشش آن چوب جارو ممکن رنگ‌های مختلف باشد.	نقوش، اسلیمی و نگین‌ها و امروزه طرحی ساده با استفاده از جارو ساخته و روی آن را با پارچه می‌پوشانند	امروزه چوب جارو	امروزه بیشتر زیر قی قاج و یالق استفاده می‌شود	ترکمن

مقایسه، بحث و نتیجه‌گیری

از مقایسه سرپوش زنان کُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان می‌توان نتیجه گرفت:

۱. سرپوش زنان هر سه قوم تنوع و زیبایی خاصی دارند و از سرپوش‌های چهارگوش یا مستطیل شکل و گاهی سه‌گوش استفاده می‌کنند.
۲. عرقچین مورد استفاده هر سه قوم است، فقط از نظر تزیینات و گاهی شکل ظاهری و دوخت با هم تفاوت دارد. کُردها به عرقچین کُم، ترک‌ها کولته و ترکمن‌ها بورک می‌گویند.
۳. کُردها و ترک‌ها از پارچه‌ای قرمز که نشانه شادی و نشاط است، برای روبند عروس‌ها استفاده می‌کنند.
۴. آلانگی (ویژه زنان متأهل) ظاهراً مخصوص زنان ترکمن است. یاشماق میان زنان ترک و ترکمن مشترک می‌باشد؛ ظاهراً کُردها آن را به کار نمی‌برند.
۵. چرشو یا چادرشب مخصوص زنان ترک و کُرد است و در میان ترک‌ها ترکیب‌بندی رنگ‌های آن نام‌های خاص دارد و به گروه‌های سنی متفاوتی اختصاص دارد. کُردهای منطقه لایین و کلات از چادرشب استفاده می‌کنند.
۶. رنگ‌های متنوع و شاد برای سرپوش توسط هر سه قوم استفاده می‌شود. زنان کُرد، ترک و ترکمن بیشتر از رنگ‌های سفید، زرد، سرخ، و گاه سیاه، سبز، آبی و بنفش بهره می‌برند. رنگ سیاه زمینه سرپوش‌ها برای زیبا جلوه دادن طرح‌ها و نقش‌مایه‌ها است. در این میان رنگ قرمز که نشانه شادی است، مشترک و بیشتر استفاده می‌شود.
۷. هر سه قوم از پارچه‌هایی با جنس نخ، ابریشم و پشم - بسته به فصل سال - بهره می‌برند.

۸. نقش مایه‌های هندسی، اسلیمی، گل و گیاه در روسری و عرقچین زنان اقوام شمال خراسان دیده می‌شود. نقش طاووس و نقش‌های هندسی، بیشتر روی سرپوش زنان کُرد است. همچنین پارچه‌های چهارخانه توسط زنان ترک کاربرد بیشتری دارد.

۸. سرپوش به طبقه خاص اجتماعی وابسته نیست؛ اما نقش و رنگ آن بر اساس سن پوشنده متفاوت است.
۹. سرپوش زنان ترکمن ویژگی خاصی دارد: مجرد و متأهل بودن در آن نقش مهمی دارد. سرپوش آنها تفاوت بیشتری با اقوام دیگر دارد، مثلاً به‌نظر می‌رسد تبرک، توپی، کورته خاص آنهاست.

پی‌نوشت‌ها

۱. اطلاع دقیقی از سرپوش زنان قوم تات به‌دست نیامد.
۲. واژه «کُرمانج» در شمال خراسان هم به چادرنشینان کُرمانج زبان و در مفهوم عام‌تر، به کُردهایی که گویش کُرمانجی دارند، اطلاق می‌شود.
۳. (Belis) مهمان خوش آمدید.
۴. گوشواره کُردی که روی گوش را می‌پوشاند. (امیدی، ۱۳۸۲، ۸۶)
۵. بریوانلو یا بریمانلو یا بریکانلو، یکی از طوایف ایل زعفرانلو هستند که سرزمین اولیه آنها کُردستان ترکیه، عراق و آذربایجان بوده است. در سال ۱۰۰۵ ه. ق. به دستور شاه عباس اول، گروهی از این طایفه به خوار و ورامین کوچ و از آنجا به خراسان منتقل و در دشت چناران و دره کلات اسکان داده شدند. قلمرو و محل استقرار این طایفه بجنورد، قوچان، شیروان و درگز است (رحمتی، ۱۳۹۶، ۳۴).
۶. عکسها از نگارنده است.
۷. به‌جز عکس ۱-۵-۸ از خانم گلی شادکام، دیگر عکس‌ها از نگارنده است.

۸. Ghes sevah

۹. Yasmaq

۱۰. Tutugh –uz Tutar

۱۱. به‌جز عکس ۱-۲؛ ۲-۶ از آقای روحانی، عکس ۲-۷ از آقای کوهستانی اسبق سو، دیگر عکس‌ها از نگارنده است.
۱۲. ترکمن‌ها شش طایفه می‌شوند: گوگلان، یموت، تکه، ارسای، یازر و نخورلی. پس از انقلاب روسیه (۱۹۱۷ م.) گروهی از ترکمن‌های آن ناحیه به نواحی ترکمن‌نشین ایران مهاجرت کردند (امیدی، ۱۳۸۱، ۱۸۴) ترکمن‌های یموت بیشتر در سواحل رود اترک و رود گرگان و... ساکن هستند.
۱۳. عکس از نگارنده.

منابع و مأخذ

کتابها

- امیدی، ناهید (۱۳۸۲)، *دیده و دل و دست: پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان*، مشهد، به نشر.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین*، ترجمه جواد فلاطونی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- استوار، مسیب (۱۳۹۱)، *رنگ*، شیراز.
- اتین، جوهانز (۱۳۶۷)، *رنگ* ترجمه محمدحسین حلیمی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹)، *ترکمن‌های ایران*، تهران، پاسارگاد.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۷۱)، *کوچ‌نشینی در شمال خراسان*، ترجمه اصغر کریمی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.
- توحدی، کلیم‌الله (کانیمال) (۱۳۷۱)، *حرکت تاریخی‌گرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران*، مشهد، کلیم‌الله توحدی (کانیمال).
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۹۰)، *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. تهران: دانشگاه الزهراء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه*، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمتی، علی (۱۳۹۶)، *بررسی و شناخت ایلات و طوایف در خراسان*، بجنورد، بیژن یورد.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بابک.
- رنج‌دوست، شبنم (۱۳۸۷)، *تاریخ لباس ایران*، تهران، جمال هنر.
- رنه دالمانی، هانری (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیار*، ترجمه محمد علی فره وشی، تهران، امیر کبیر
- سالاریان، اسماعیل (۱۳۹۷)، *نگاهی به فرهنگ ترکان خراسان: فولکلور ترکان خراسان*، بجنورد، درج سخن.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۵)، *مردمان ایران*، تهران، علم و زندگی.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۹۶)، *پوشاک دوره قاجار*، تهران، فرهنگسرای میردشتی.
- شفرد، راونا و رابرت (۱۳۹۳)، *هزار نماد در هنر و اسطوره شکل به چه معناست*، مترجمان آزاده بیدار بخت و نسترن لواسانی، تهران نشر نی.
- قلی‌زاده مزروجی، جلال (۱۳۹۰)، *آشنایی با زبان ترکی خراسان*، مشهد، دامینه.
- کارری، جملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالله کارنگ، نشر اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- کوپر، جی، سی. (۱۳۷۹)، *فرهنگ مصور نماد های سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرشاد.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۸)، *ایران و قضیه ایران*، جلد دوم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلی، امین (۱۳۶۶)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها*، تهران، علم.

- لوگشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹)، *ترکمن های ایران (پژوهش تاریخی - مردم شناسی)*، ترجمه سیروس ایزدی، حسین تحویلی، تهران، شباهنگ.
- محمدی، رامونا (۱۳۸۸)، *پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن*، تهران، جمال هنر.
- مک گرگر، کلنل سی. ام (۱۳۶۶)، *سفری به ایالت خراسان*، ترجمه مجید مهدی زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، جلد دوم.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۳)، *تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مجدی، علی اکبر و دیگران (۱۳۹۹)، *جامعه شناسی ایالات و عشایر*، مشهد، انتشارات خانه علوم تربیتی.
- میرنیا، علی (۱۳۸۱)، *نگاهی به فرهنگ عامه مردم خراسان: جغرافیای خراسان، مشاغل مردم ...*، مشهد، سخن گستر.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۱)، *سفرنامه خراسان بخط میرزا محمد رضا کلهر*، تهران: انتشارات بابک
- وطن دوست، سارا (۱۳۹۴)، *پوشاک و زیورآلات عشایر گرمانج خراسان*، قم، عمو علوی.
- یآوری، حسین و سرخوش شیدا (۱۳۸۹)، *آشنایی با لباس ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران*، تهران، سیمای دانش.
- یوسف زاده، آمنه (۱۳۸۸)، *رامشگران شمال خراسان*، ترجمه ی علیرضا مناف زاده، تهران، موسسه ی فرهنگی-هنری ماهور.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت الله روشنی، مهرداد رهبری، تهران، یزدان.

مقالات

- اندورز، پ. ا (۱۳۸۳)، *پوشاک در ایران زمین؛ پوشاک و زیورهای ترکمن* (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، احسان یارشاطر؛ ۱)، ترجمه پیمان متن، تهران، امیرکبیر.
- رستمی، مصطفی و منیر، طاهره (*تاثیر عقیده ها و باورهای دینی بر آرایه های زیور آلات ترکمنی*) دو فصلنامه پژوهشی - تحلیلی، هنرهای حوزه کاسپین، شماره اول، پاییز و زمستان (۱۳۹۶).
- قوی پنجه، زهرا (*نقش و رنگ در پوشاک زنان ترکمن*)، همایش بین الملل پژوهش در علوم و تکنولوژی، (۱۳۹۴).
- کاظم پور، داریوش و سلیمانی، محسن، (۱۳۹۱)، «*مطالعه نقوش دست بافته های خراسان شمالی و استفاده از آنها در طراحی نشانه*»، گلجام، شماره ۲۱.

پایان نامه

- لامی، فهیمه (۱۳۹۴)، *مطالعه مردم شناسی لباس سنتی زنان روستای لایین نو در دوران معاصر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد.
- مصلحی جویباری، فاطمه (۱۳۹۷)، *قوم ترکمن و بررسی نقوش پوشاک و زیور آلات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، گروه هنر.

مصاحبه ها

- اسپونتن فرد، ناهید حسن (۸ اسفند ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فرهنگی.
- ایزانلو، محمدعلی (۳ اردیبهشت ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فروشنده لباس های سنتی کُردی، در زمینه پوشاک کُرد.
- جواهری، سکینه (۱۳ آبان ۱۴۰۰)، مصاحبه، خانه دار.
- روحانی، عبدالناصر (۱۲ دی ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، دبیر و پژوهشگر پوشاک ترک خراسان.
- شادکام، گلی (۱۵ مهر ۱۳۹۸)، مصاحبه، مشهد، پژوهشگر لباس های سنتی کُرمانج.
- شادکام، ریزه گل (۲ مهر ۱۴۰۰)، مصاحبه، بجنورد، خانه دار.
- عابدی، زینت (۵ آذر ۱۴۰۱)، مصاحبه، بجنورد، دبیر و پژوهش در زمینه مطالعه نقش مایه های پوشاک اقوام شمال شرق ایران؛ نمونه موردی قوم کُرمانج خراسان شمالی
- کوهستانی اسبق سو، علی (۵ آذر ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فرهنگی .
- حصاری، مریم (۱۲ مهر ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، دانشگاه فرهنگیان .

**A Comparative Study of
Kurdish, Turkish, and Turkmen Women's Scarves in the North of Khorasan in the
Current Century**

Abstract

One of the cultural symbols of any ethnic group is their garment, and a scarf is the most distinctive one of them. The northern region of Khorasan has a special cultural diversity due to the habitat of various ethnic groups of Kurds, Turks, and Turkmen. Such diversity has affected the clothing of men and women in this region. The present paper seeks to study, compare, and investigate the commonalities and differences in scarves of Kurd, Turk, and Turkmen women. The study uses a descriptive-analytical method and desk study and if necessary, makes observations and conducts oral interviews with informed people and specialists in the field of clothing. Investigating the references, resources and oral interviews indicates the diversity of women's scarves in the north of Khorasan with special local names. Every three ethnicities wear shawls and Taqiyah with different designs and cheerful colors, especially red. Some scarves, such as Diklichek (Tabarlik) are mostly used by Turkmen women, Lichak is also worn by a tribe of Kurds. The results indicated that due to higher communications among the ethnicities and cultural relationships, their scarves have higher similarity and vary in terms of decoration and naming.

Key words: Women's headscarf, North Khorasan, design, Turkmens, Kurds, Turks.